



پرسمان دینی (۱۲۱)

# شب قدر و روزہ ماہ رمضان

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

سورة الاحقاف



قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ  
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای  
آنها پرسش است. پس بپرسید- خداوند شما را رحمت کند-  
که در این بین چهار تن اجر ببرند:  
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات

یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.







# شب قدر و روزہ ماہ رمضان پرسمان دینی (۱۲۱)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه  
مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

# شب قدر و روزه ماه رمضان

حجت الاسلام عبدالله محمدی  
پارسا، میثم شادپور، سید رضا قائمی  
رزکناری و حسین زارعی

میثم شادپور

اسفند ماه ۱۴۰۲

پژوهشگران

مصحح

چاپ اول



## فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
۱. نقد کارکردهای روزه.....	۱۱
۲. فلسفه حرمت روزه عید فطر.....	۱۷
۳. نماز و روزه و شرایط اقلیمی اعراب.....	۲۲
۴. اعتکاف در ماه رمضان.....	۲۶
۵. توبه و شب قدر.....	۳۳
۶. اختیار و مقدرات شب قدر.....	۴۱
کتابنامه.....	۴۶





## مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های «قرآن»، «حدیث»، «کلام و اعتقادات»، «تاریخ»، «اخلاق و تربیت»، «مشاوره»، «احکام شرعی» و «سیاسی اجتماعی» پاسخ گفته است.

بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیه‌ی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعه‌ی پرسش و پاسخ‌ها را به‌صورت محصولات متنوع و متعدد، در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند.

این اثر حاوی چند پرسش و پاسخ حول ماه مبارک رمضان با عنوان «شب قدر و روزه ماه رمضان» تدوین شده است. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.



در پایان از حمایت و پیگیری ریاست مرکز ملی پاسخگویی، جناب  
حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از همه  
کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه  
نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند منان برای همه دست‌اندرکاران در فرآیند پاسخگویی به  
پرسش‌های دینی، توفیق روزافزون مسئلت دارم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



## ۱. نقد کارکردهای روزه

پرسش:

فلسفه روزه چیست؟ چرا باید روزه بگیریم؟ که اگر قرار است با گرسنگی کشیدن حال فقرا را درک کنیم که افراد توانا بعد از افطار آن قدر می‌خورند که همه حال بدشان فراموش می‌شود و افرادی هم که ندارند نمی‌خورند. اگر برای سلامت بدن است که تاکنون فواید روزه به طور قطع و برای همه افراد ثابت نشده و اتفاقاً مضرات آن بیشتر ارزیابی شده‌اند. اگر برای عبادت است، می‌توان راه‌های دیگری پیشنهاد داد و مثلاً روزه را منحصر به اذان صبح تا ظهر کرد یا تعداد روزها را کمتر اعلام کرد. پس علت این روزه داری چیست؟

پاسخ:

روزه، خودداری از برخی کارها (که اصطلاحاً به آن مبطلات روزه گفته می‌شود) از اذان صبح تا اذان مغرب به قصد انجام دستور خداوند است که در دین اسلام در ماه مبارک رمضان بر همه مسلمانان واجب بوده و البته وجوب آن مختص به اسلام نیست چرا که به فرموده قرآن کریم، در ادیان پیش از اسلام نیز سابقه داشته است.<sup>۱</sup> درباره روزه و سایر عبادات اسلامی، باید به این نکته توجه داشت که آنچه درباره فلسفه آنها گفته می‌شود، غالباً از قطعیت و جامعیت برخوردار

<sup>۱</sup>سوره بقره، آیه ۱۸۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»



نیست؛ یعنی یا قطعی نیست و به عنوان احتمال طرح می شود یا فقط گوشه ای از حکمت ها را بازتاب می دهد و جامع و فراگیر نیست. در ادامه، متناسب با پرسش حاضر، به برخی از فلسفه های روزه اشاره شده و به اشکالات طرح شده در پرسش، پاسخگویی می شود.

### نکته اول:

مهمترین فلسفه ای که به طور کلی برای همه واجبات و عبادات وجود دارد، هدایت انسان از خودمحوری به خدامحوری و کنار زدن غبارها از فطرت پاک و ایجاد تجربه معنوی در میان روزمرگی های زندگی است؛ از این رو، اگر کسی به جای روزه شرعی، ریاضت های دیگر پیشه کند و اعمالی نظیر روزه آب، یا روزه تا ظهر و ... را انجام دهد، بهره معنوی از این روزه ها نخواهد برد؛ اگرچه به برخی از حکمت های طرح شده در روزه مثل سلامت جسم و تجربه گرسنگی و ... برسد.

جالب است بدانید که ابلیس نیز به این سبب از جریان حق جدا شد که خودمحور شد و خواست خودش را ارجح برخواست خدا دانست و تعظیم به خلقت انسان که دستور خدا بود را اطاعت نکرد؛ وگرنه، ابلیس نیز خدا و قیامت را قبول داشت و خدا را شایسته پرستش می دانست و سال ها به این کار مشغول بود اما نمی خواست آنطور که خدا دستور داده، زندگی کند و خواست دیگری داشت.<sup>۱</sup>

۱. سوره اعراف، آیه ۱۲: «قَالَ مَا مَنَّكَ اَلَّا تَسْجُدَ اِذْ اُمِرْتَكَ قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ».



## نکته دوم:

یکی از حکمت های روزه‌داری، تجربه گرسنگی است. بسیاری از افراد، هیچ گاه چنین چیزی را تجربه نمی کنند چرا که هر گاه هر چیزی طلب کنند، فوراً برآورده می شود و با پول و ثروت آن را تهیه می کنند. تجربه گرسنگی از جهات مختلفی مفید است: درک احوال فقیران و دستگیری از آنها، یادآوری احوال سخت قیامت، تمرین صبر در برابر ناملائمات و مشکلات. همه این فوائد روزه داری و تجربه گرسنگی، در روایتی از امام رضا (ع) مورد توجه قرار گرفته است:

« اگر بپرسند چرا روزه واجب شده است؟ پاسخ آن است که درد گرسنگی و تشنگی را بدانند، و از این راه پی به فقر و بی‌زاد و توشه بودن آخرت ببرند، و برای اینکه روزه دار بر اثر ناراحتی که از گرسنگی و تشنگی برایش پیش آمده فروتنی کند و کوچکی کند و نیازمندی نشان دهد تا اجر ببرد و به حساب آورد کار خویش را و بشناسد و پایداری و مقاومت کند بر آن، و از این جهات مستحق اجر شود، با آنچه که در آن است از قبیل جلوگیری از طغیان شهوات و کنترل هواها، و اینکه موجب عبرت و موعظه‌ای باشد برای آنها در این دنیا، و تمرینی باشد برای انجام تکالیف، و راهنمایی باشد برای آنها در عالم دیگر، و بشناسند شدت مشکلات فقرا و بینوایان را در دنیا، و آنچه را



که خداوند در اموالشان برای مساکین و تهیدستان واجب کرده  
ادا کنند.»<sup>۱</sup>

در روایت دیگری نیز بیان شده که:

«علت روزه گرفتن آن است که به سبب آن، ثروتمند و فقیر  
برابر شوند، زیرا ثروتمند گرسنگی را احساس نکرده، تا به فقیر  
رحم کند، هرگاه هم چیزی را بخواهد می تواند فراهم کند. پس  
خداوند خواست میان بندگانش برابری ایجاد کند و توانمند مزه  
گرسنگی و درد را بچشد تا بر ناتوان مهر بورزد و بر گرسنه  
ترحم کند.»<sup>۲</sup>

با این توضیحات، مشخص می شود اشکالی که در پرسش ذکر شد، وارد  
نیست؛ چرا که:

اولا فایده روزه داری و تجربه گرسنگی، محدود به درک حال فقیران نیست  
و دارای آثار اخلاقی و اخروی دیگری هم هست که توضیحش گذشت؛  
ثانیا درک حال فقیران نیز صرفا برای همدردی با آنها نیست بلکه برای آشنا  
شدن با شرایط سخت فقیران و کمک کردن به آنها است. بله، بعد از افطار،  
روزه داران سیر می شوند اما همان تجربه قبل از افطار کافی است تا به  
احوال فقیران آگاه شوند و به این امر سوق یابند که از فقیران دستگیری  
کنند. برای درک حال فقیران، نیازی نیست که همیشه فقیر و گرسنه باشیم،

۱. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۹.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۱.



بلکه سالانه یک ماه، در ساعاتی از روز، این امر را تجربه کنیم، کافی است تا در طول سال به یاد فقیران و دستگیری از آنها باشیم.

### نکته سوم:

درباره فوائد روزه‌داری برای جسم و سلامتی نیز، هم به دلایل نقلی می‌توان اشاره کرد و هم به نتایج تجربی. دلیل نقلی بر این مسئله روایاتی است که در آن روزه‌داری را باعث سلامتی و تندرستی می‌داند. نظیر روایتی نبوی که می‌فرماید: «روزه بگیرید، تا تندرست شوید»<sup>۱</sup> برای توضیح علمی فواید روزه‌داری نیز می‌توان به به یافته‌های دانشمندی ژاپنی به نام «یوشینوری اوسامی»<sup>۲</sup> اشاره کرد که در سال ۲۰۱۶م به جهت کشف تاثیر روزه‌داری بر پدیده «اتوفاژی»<sup>۳</sup> و در نتیجه آن از میان رفتن سلولهای ضعیف و سرطانی، برنده جایزه نوبل شد.<sup>۴</sup>

۱. «صُومُوا تَصِحُّوا»؛ ابن حبیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲. Yoshinori Ohsumi

۳. Autophagy

۴. تحقیق ایشان مربوط به مطلق روزه‌داری (Fasting) یعنی اجتناب از خوردن و آشامیدن در یک بازه زمانی طولانی بود و از این‌رو، قابل تطبیق با مفهوم روزه‌داری و امساک در اسلام است. برای مطالعه بیشتر، رک:

*The Nobel Prize in Physiology or Medicine ۲۰۱۶*, Press release, NobelPrize.org, Tue, ۱۲ Apr ۲۰۲۲.

*Fasting for Health and Longevity: Nobel Prize Winning Research on Cell Aging*, bluezones.com, ۲۰۱۸.



با عنایت به این نکته، نه تنها ضرر داشتن روزه، یک ادعای اثبات نشده و بدون دلیل است، بلکه با توجه به این یافته‌ها روشن می‌شود که ترک غذا به مدت طولانی (بیش از ۱۲ ساعت) می‌تواند برای بدن کارکرد درمانی داشته باشد و از این منظر، روزه داری در دین اسلام نیز می‌تواند همان کارکرد درمانی را ایفاء نماید.

البته روشن است که روزه‌دار، عمدتاً به آثار معنوی روزه نظر دارد و آن را فقط به نیت اطاعت از امر پروردگار (نه به نیت رسیدن به اتوفازی و امثال آن) به جامی آورد اما با این حال، اگر روزه‌دار در روزه‌داری، سبک زیستی و غذایی مناسبی پیش بگیرد، نه تنها روزه به او آسیب نمی‌زند، بلکه آثار مثبتی برای او به ارمغان خواهد آورد.

### نتیجه:

از آنچه گذشت، روشن می‌شود که اظهار نظر قطعی و جامع درباره فلسفه روزه بسیار دشوار است؛ اما با این حال، مستند به آیات و روایات و نتایج علمی، می‌توان به برخی از حکمت‌ها و فوائد روزه اشاره کرد: عبادت و فرمانبری از خدا، تجربه فقر و نداری حتی برای چند لحظه، تعالی اخلاقی، سلامتی از بیماری و خودکشی سلول‌های معیوب و ...

بنابراین، روزه داری نه تنها ضرری ندارد بلکه آثار مثبتی برای جسم و روح و روان انسان دارد و چون امر الهی است، باید به همان شیوه انجام شود تا به مهمترین فلسفه و فایده روزه، یعنی خدامحور شدن، دست یافت.

### کلمات کلیدی:

روزه، فلسفه روزه، فوائد روزه، همدردی با فقرا.





## ۲. فلسفه حرمت روزه عید فطر

پرسش:

اگر روزه داری آثار و فوائد معنوی و جسمی فراوان دارد؛ چرا روزه عید فطر حرام است؟! اگر روزه داری خوب است، باید همیشه خوب باشد! اگر روزه داری عامل سلامت جسم و یاد فقراء و مهار نفس و غیره می شود، چطور یکباره بی فایده بلکه مضر می شود و حرام می گردد؟!

پاسخ:

«روزه» عبادتی است که در آن، به پیروی از دستورات خداوند، از اذان صبح تا اذان مغرب، از خوردن، آشامیدن، رابطه زناشویی و برخی کارهای خاص دیگر، خودداری می شود. روزه از نظر فقهی بر چهار قسم واجب، مستحب، مکروه و حرام بوده و اینگونه نیست که همه روزه ها، همچون روزه ماه رمضان واجب باشد. از این رو، این سوال مطرح شده که اگر روزه داری دارای فوائد است، چرا گاهی حرام است؟! با این مقدمه به سراغ سوال یاد شده رفته و پاسخ آن را در قالب چند نکته تقدیم می کنیم:

### نکته اول:

عباداتی مثل روزه دایر مدار مصالح و فواید حقیقی برای انسان بوده و بر همین اساس، واجب شده اند. مثلاً در قرآن تصریح شده است که روزه بر



ایجاد یا افزایش تقوا موثر است<sup>۱</sup> و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز آن را موجب تندرستی انسان معرفی کرده است<sup>۲</sup> و پژوهشگران تجربی نیز به برخی از آثار مثبت روزه پی برده اند.<sup>۳</sup>

اما باید توجه داشت که گاهی چیزی به خودیِ خود، خوب است و فوائد و مصالح زیادی دارد، اما همان چیز به سبب وجود شرایط یا موانعی که بر آن عارض می شود، بد می شود؛ نظیر «راست گویی» که خوب است، ولی ممکن است گاهی (مانند به خطر افتادن جان مومن) مطلوب نباشد و بد بشود. در مورد روزه داری نیز نباید انتظار داشت که «اگر روزه داری خوب است، باید همیشه خوب باشد!» چرا که روزه داری، به خودیِ خود، خوب است ولی چه بسا گاهی (مانند روزه مریض، روزه مسافر و روزه عیدین) مانعی بر سر این خوبی ایجاد شود و همان مانع، روزه داری را حرام گرداند.

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

۲. «صُومُوا صِحْوا»؛ ابن حیون نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳. مثلاً در تحقیقاتشان آمده که اجتناب از خوردن و آشامیدن در یک بازه زمانی طولانی، آثار مثبتی در مقابله با سرطان دارد و به اتوافازی می انجامد. برای مطالعه بیشتر، رک:

*The Nobel Prize in Physiology or Medicine ۲۰۱۶*, Press release,

NobelPrize.org, Tue, ۱۲ Apr ۲۰۲۲.

*Fasting for Health and Longevity: Nobel Prize Winning Research*  
on Cell Aging, bluezones.com, ۲۰۱۸



## نکته دوم:

گوهر و درونمایه اصلی هر عبادتی، اظهار سرسپردگی و خضوع محض در برابر خدا است؛ وگرنه، ابلیس نیز خدا باور بود و یگانگی خدا را قبول داشت. ابلیس به سبب تکبر و خودرأیی که داشت، از مسیر بندگی خارج شد.<sup>۱</sup> سرنوشت ابلیس، درس عبرتی است برای مومنان تا سرسپرده خدا باشند و در انجام عبادت، جز رای و خواست و نظر خدا را معیار قرار ندهند. بی جهت نیست که در عباداتی مثل روزه، شرط شده که به قصد قربت و بندگی باشد و کمترین اخلال در قصد قربت، آن عبادت را از حقیقت عبادت، تهی می سازد. از این رو، اگر جایی روزه حرام باشد و قصد قربت در آن شکل نگیرد، اساساً روزه و عبادت تحقق نیافته است و مهمترین فلسفه آن که اظهار سرسپردگی است، محقق نشده است.

## نکته سوم:

از منظر اسلام، نه دنیا به نفع آخرت نادیده گرفته می شود و نه آخرت به نفع دنیا فراموش می شود بلکه هر دو به شکل متوازن اهمیت دارند و به همین جهت در دین اسلام، برای رسیدن به سعادت و آرامش در دنیا و

۱. سوره اعراف، آیات ۱۱-۱۲: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ».



آخرت، برنامه ریزی های لازم انجام شده و احکام و برنامه های دینی، هم سویه مادی و دنیوی دارند و هم سویه معنوی و اخروی. در دین اسلام، در کنار توجه به مسائل اخروی و معنوی، به مردم توصیه شده که سهم خود از دنیا را نیز فراموش نکنند.<sup>۱</sup> از این رو، به فرموده روایات، «رهبانیت» و ترک مطلق لذت های دنیا جایز نیست.<sup>۲</sup>

در این راستا، در دین اسلام، همان گونه که به روزه داری و امساک در ایامی خاص امر شده است، خوردن و آشامیدن نیز مورد فرمان الهی است<sup>۳</sup> تا این ذهنیت ایجاد نشود که اسلام هم رهبانیت پیشه کرده و به نیازهای طبیعی و مادی انسانها بی تفاوت است. به همین جهت، دین اسلام ضمن آنکه برخی از روزه ها را واجب می داند، اما گاهی برای پایان روزه داری و جشن گرفتن در پایان یک ماه روزه داری، ترک روزه داری را الزام می کند تا مردم تک بعدی نشوند و افزون بر این که به معنویات توجه دارند، به بهره مندی از نعمت های دنیا نیز سوق ببابند. در همین راستا از امام صادق علیه السلام نقل شده که «در روز عید فطر و عید اضحی، نباید روزه گرفت چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که این روزها روزهای

۱. سوره قصص، آیه ۷۷ «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۗ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»

۲. «وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ نَهَى عَنِ التَّرْهَبِ قَالَ لَا رَهْبَانِيَةَ فِي الْإِسْلَامِ تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ وَنَهَى عَنِ التَّبْتُلِ وَنَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَتَّبِلْنَ وَ يَقَطَّعْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ»؛ تمیمی مغربی،

نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۹۳.

۳. سوره اعراف، آیه ۳۱: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا».



خوردن و آشامیدن و شادی کردن است.<sup>۱</sup> در واقع، شاید بتوان گفت که حرمت روزه در این روزها، حکم سرعت گیر را دارد که مانعی از افراط در عبادت می شود.

### نتیجه:

بنا بر آنچه گذشت، روشن می شود که چه بسا چیزی خوب و عبادت باشد اما گاهی در شرایط خاص، به دلیل موانعی که بر آن عارض می شود، خوب و عبادت نباشد بلکه حتی بد و گناه به حساب آید. از این رو، روزه اگرچه خوب است اما ممکن است به سبب ملاحظاتی، تداومش پس از ماه رمضان، خوب نباشد و آثار بد دیگری به دنبال داشته باشد و بر همین اساس، خداوند برای جلوگیری از تداوم روزه و افراط در این کار، روزه گرفتن در روز اول ماه بعد را حرام کرده است تا انقطاعی ایجاد شود.

### کلمات کلیدی:

روزه داری، امساک، فلسفه احکام، روزه حرام.

۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، ج ۷، ص ۵۵۱.



### ۳. نماز و روزه و شرایط اقلیمی اعراب

پرسش:

معیارهای موجود در دین اسلام برای اوقات نماز یا بازه زمانی امساک روزه، بر اساس شرایط اقلیمی اعراب است و سایر اقلیم ها (نروژ یا شمال غربی کانادا بدون شب است یا در سوئد فقط دوساعت شب می شود) را در بر نمی گیرد. این نشان دهنده آن است که در تشریح احکام، افزون بر مصالحی که در نظر گرفته شده، ویژگی های منطقه ای اعراب نیز مورد نظر بوده و به همین جهت نمی توان این احکام را فرامنطقه ای و مفید برای همگان دانست.

پاسخ:

دین اسلام آخرین دین و پیامبر اسلام، خاتم پیامبران است. به تبع این اعتقاد، مسلمانان معتقدند که احکام و قوانین نازل شده در دین اسلام برای همه انسانها در هر مکان و زمانی تا روز قیامت است:

«و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس

را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم.»<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر دین اسلام دینی جاویدان برای عموم مردم در هر منطقه، تا روز قیامت است و احکام و قوانین آن جهانی و برای همه انسانها است. در عین حال برخی از احکام این تصور را ایجاد می کند که این قوانین

۱. سوره انعام، آیه ۱۹: «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنَّكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ».



مربوط به منطقه خاص است و برای دیگران بی فایده است. سعی می شود در چند محور به این پرسش پاسخ داده شود.

### نکته اول:

هر قانون مطلوب، ناظر به وضعیت فراگیر است و اگر نتواند همه اوضاع را پوشش بدهد، برای اوضاع خاص، با چند تبصره، قوانین متناسب با آنها را اعلام می کند. بر این اساس، دین اسلام نیز ناظر به تواناییها و شرایط اکثریت افراد دست به وضع قانون می زند ولی افراد خاص را از یاد نبرده و برای آنها نیز قانون مناسب را وضع می کند. مثلاً در مورد روزه می دانیم که روزه ماه مبارک رمضان بر همگان واجب است اما کسانی که مسافر هستند یا بیمار و ... از وجوب روزه معاف هستند بلکه نباید روزه بگیرند. یا در مساله حج می دانیم که حج بر تمام افراد مستطیع واجب است اما اگر امنیت در مسیر وجود نداشته باشد، وجوب حج تا برقراری امنیت و بازگشت آرامش و تحقق شرایط ساقط می گردد بلکه انجام آن و به خطر انداختن جان، گناه است.

### نکته دوم:

درباره زمان نماز و روزه نیز دقیقاً همین مطلب صادق است؛ یعنی دین اسلام در تعیین بازه زمانی نماز و روزه، وضعیت اکثر مردم را در نظر گرفته است و با این حال، اقلیت را نیز فراموش نکرده و برای آنها نیز قانون و حکم مناسب را اعلام کرده است.



توضیح مطلب اینکه:

تقریباً قسمت اعظم جمعیت جهان میان دو مدار ۵۰ درجه شمالی و ۵۰ درجه جنوبی زندگی می کنند و روز و شب در فصلهای مختلف در سرزمینهای میان این دو مدار تقریباً وضعیت یکسانی دارد. البته برخی مدار ۴۳ درجه را ذکر می کنند که تفاوت چندانی با مدار ۵۰ درجه ندارد. بنظر می رسد احکام روزه و نماز و یا تمام احکامی که زمانمند هستند، برای ساکنان میان این دو مدار وضعیت نسبتاً یکسانی (و البته نه دقیقاً) دارد و این جمعیت اکثری، با تفاوت نه چندان زیادی، می توانند احکام عملی خود را انجام دهند.

بر این اساس مشخص می شود، اگرچه معیارهای مطرح شده برای اوقات نماز و امساک روزه، شامل منطقه عربستان می شود اما محدود به آنجا نبوده و اکثر مناطق را نیز پوشش می دهد و به همین جهت، خداوند آن را برای عموم مردم در مناطق مختلف جهان در نظر گرفته است.

اما افرادی که بالای این مدار زندگی می کنند، متناسب با شرایط منطقه ای خود، نماز و روزه را به جا می آورند: «چنین اشخاصی موظفند نماز و روزه خود را بر طبق مناطق معتدله انجام دهند» یعنی باید ملاحظه کنند طول شب و روز در چنان فصلی (بطور متوسط) در مناطق معتدله چه اندازه است و بر طبق آن روزه بگیرند و نمازهای پنجگانه خود را به جا آورند.<sup>۱</sup>

۱. مکارم شیرازی، ناصر و جعفر سبحانی، پاسخ به پرسش های مذهبی، ص ۳۹۳-۳۹۵. برای آشنایی با نظر سایر مراجع تقلید، باید به رساله های آنها مراجعه شود.



**نتیجه:**

کوتاه سخن اینکه، احکام اسلام همچون بسیاری از قوانین، با نگاه به اکثریت انسانها در همه زمانها و مکانها وضع شده است. در عین حال افرادی که دارای وضعیت دیگری هستند، به صورت استثناء، احکام مخصوص به خود را دارند.

**کلمات کلیدی:**

اوقات روزه، تاریخمندی احکام، تاثیر شرایط اقلیمی بر روزه.



## ۴. اعتکاف در ماه رمضان

پرسش:

سنت نبوی، یک دهه اعتکاف در ماه رمضان است؛ نه سه روز در ماه رجب. چرا به جای سنت نبوی، از سنت صفوی پیروی می کنید؟!

پاسخ:

«اعتکاف» در لغت به معنای حبس کردن و درنگ نمودن و توقف طولانی بوده<sup>۱</sup> و در اصطلاح عبارت است از التزام به توقف و درنگ در مسجد به قصد قربت که ممکن است سه روز یا بیشتر باشد.<sup>۲</sup> این واژه در قرآن کریم نیز طرح شده و خداوند در این خصوص می فرماید:

«به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید.»<sup>۳</sup>

با این مقدمه به سراغ سوال یادشده رفته و پاسخ آن را در قالب چند نکته تقدیم می کنیم:

۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۰۳.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۵۵.

۳. سوره بقره، آیه ۱۲۵: «... وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» علاوه بر این ن.ک سوره بقره، آیه ۱۸۷؛ سوره حج، آیه ۲۵



## نکته اول:

آنچه در خصوص اعتکاف پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله گزارش شده مربوط به اعتکاف در ماه رمضان است که در چادر در مسجد النبی انجام می گرفته است.<sup>۱</sup> چنانکه در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است که:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله ده روز آخر ماه رمضان را در مسجد اعتکاف می کرد. در این مدت برای آن حضرت چادری سیاه برپا می شد و ایشان دامن به کمر می زد و بسترش را بر می چید.»<sup>۲</sup>

از منظر بزرگان شیعه نیز «اعتکاف در جمیع روزهای سال جایز است گر چه بعضی ایام افضل است نسبت به بعض دیگر و در روزهایی که نباید روزه گرفت اعتکاف صحیح نیست. مثل عید فطر و قربان. زیرا شرط، اعتکاف روزه است. و در دهه آخر ماه مبارک رمضان افضل است زیرا شب

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

۲. «الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ [يَعْنِي مِنْ رَمَضَانَ] اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ، وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرِ، وَشَمَّرَ الْمِيزَرَ وَطَوَى فِرَاشَهُ.»

(محمدری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۵۷)



قدر در این دهه می باشد.<sup>۱</sup> در این ایام، معتکف چشم به راه نزولات آسمانی شب های قدر و بهره مندی از کمالات این شب ها است.<sup>۲</sup> در نتیجه، طبق دلالت جوامع روایی شیعیان و نیز سنت رسیده از حضرات معصومین علیهم السلام، ما نیز بر این باوریم که یکی از بهترین زمان ها برای اعتکاف، دهه آخر ماه مبارک رمضان است.

### نکته دوم:

مطابق آموزه های قرآن کریم در عموم فراخواندن به کارهای خیر و سرعت گرفتن در نیکی<sup>۳</sup> و نیز مطابق با بیان حضرات معصومین علیهم السلام در جواز هر آنچه نهی ای برای آن نیامده است<sup>۴</sup> و مانند آن، می توان گفت که انحصار اعتکاف در ماه مبارک رمضان، وجهی نداشته و می توان اعتکاف را در ایام دیگر سال نیز جاری دانست.

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. عاملی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، ص ۹۴؛ ابن براج، عبدالعزیز، المهذب، مقدمه جعفر سبحانی، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳. نظیر سوره بقره، آیه ۱۴۸: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»؛ سوره حج، آیه ۷۷: «وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ»؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳۳: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» و مانند آن.

۴. «قال الصادق علیه السلام: كلُّ شيءٍ مطلقٌ حتى يردُّ فيه منعٌ» (الاحسائي، محمد بن علی بن ابراهیم، عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۱۴۶)



در حقیقت، مسئله اعتکاف، بنا بر روایت نبوی، دائر مدار «مسئله روزه» بوده<sup>۱</sup> و تنها شرطی که برای زمان اعتکاف می توان در نظر گرفت، آن است که اعتکاف در زمانی باشد که روزه گرفتن در آن زمان، از نظر فقهی مانعی نداشته باشد. در نتیجه در فقه امامیه تصریح شده است که اعتکاف در عیدین و نیز در زمان حیض و نفاس صحیح نبوده<sup>۲</sup> و برخی نیز به همین جهت اعتکاف مسافر را نیز صحیح نمی دانند.<sup>۳</sup>

از این رو می توان اینگونه گفت که اختلاف مراتب رجحان اعتکاف بستگی به اختلاف در فضیلت روزه در اوقات و ماه های سال دارد و از آنجایی که روزه ماه رمضان افضل روزه ها است، اعتکاف در آن نیز فضیلت بیشتری دارد و چون روزه ماه رجب بسیار سفارش شده و یکی از ماه های پر فضیلت برای روزه داری به حساب می آید، می توان جواز اعتکاف در ماه رجب و ترجیح آن نسبت به سایر ایام را نیز فهمید؛ چنانکه در روایتی از قول رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس در ایام البیض ماه رجب، [یعنی همان سه روزی که معمولا اعتکاف در آن برگزار می شود] روزه بگیرد یا شب های آن را به عبادت بگذراند و شب نیمه [ی این ماه] صد رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت، ده مرتبه "قل هو الله

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا أَعْتَكِفُ إِلَّا بِصَوْمٍ» (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار،

ج ۹۷، ص ۱۲۸ و ۱۳۰)

۲. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۷، ص ۱۶۵-۱۶۶.



احد" بخواند و پس از این نماز، هفتاد مرتبه آمرزش بطلبد، گزند آسمانیان و گزند زمینیان و گزند ابلیس و سربازانش، از او دور داشته می شود، و اگر در این ماه بمیرد، شهید مُرده است، و خداوند، هزار حاجت او را بر آورده می سازد.<sup>۱</sup>

در نتیجه، انحصار اعتکاف در ماه مبارک رمضان و عدم جواز آن در ماه های دیگر نیاز به دلیل دارد که نه تنها دلیلی برای چنین انحصاری وجود ندارد، بلکه از طرق مختلف می توان مشروعیت و فضیلت آن را نیز به اثبات رساند.

### نکته سوم:

در متن سوال اینگونه القاء شده است که گویی، اعتکاف در ماه رجب، از سنت های دوران صفوی بوده و اینکه برخی اعتکاف را به غیر ماه مبارک رمضان جایز دانسته اند، بدعت و نامشروع است! هر چند پاسخ این لغزش در نکات قبل گذشت اما باید به این نکته نیز توجه داشت، آنچه در دوران صفویه در خصوص اعتکاف رخ داده است، ارتباط روشنی با ایام البیض در ماه رجب ندارد.

چرا که پیش از صفویه، بنا بر مشهور، اعتکاف تنها در مساجد جامع مورد پذیرش بوده ولی در زمان سلطنت شاه عباس اول، جناب «شیخ لطف الله» (متوفی ۱۰۳۳) که سعی بلیغی در گسترش سنت اعتکاف در سراسر ایران

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۵۰، ح ۳۸؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک

الوسائل، ج ۷، ص ۵۳۳، ح ۸۸۲۹.



داشت، معتقد بود که اعتکاف در تمامی مساجد ایران، اعم از جامع و غیر جامع جایز است. البته تأکید داشت که مسجد باید مسجد بزرگی باشد؛ نه در حد مساجد محلی یا مساجد بازار و مشابه آن.<sup>۱</sup> به نظر می رسد در جواز اعتکاف در غیر از مسجد جامع، جناب شیخ لطف الله، تنها نبوده و نام چند تن از علماء بزرگ شیعه، نظیر شیخ کرکی و فرزندان او، شهیدثانی و نوادگان او، شیخ بهایی، ملا عبدالله شوشتری و میرزا محمد استرآبادی را می توان برد که به جواز اعتکاف در تمام مساجد معتقدند.<sup>۲</sup>

در نتیجه، آنچه در زمان صفویه صورت پذیرفته است، گسترش و جواز اعتکاف از جهت مکانی است نه از جهت زمانی!

### نتیجه:

از آنچه بیان شد روشن می شود که اولاً اعتکاف در ایام البیض در ماه رجب، بدعت نیست و ادعای نهی از اعتکاف در غیر ماه رمضان، نیازمند دلیل است، در حالی که نه تنها دلیلی وجود ندارد بلکه قرآنی بر مشروعیت و فضیلت آن وجود دارد. ثانیاً اگرچه فضیلت اعتکاف در دهه آخر رمضان بیشتر از سایر ایام است اما چه اشکالی دارد که هم اعتکاف در آن زمان برگزار شود و هم در ایام البیض ماه رجب. ثالثاً روزه داری و عبادت و شب‌زنده‌داری در ایام البیض سنت نبوی و سیره مسلمانان بوده و آنچه در

۱. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۱۶۰-۱۱۶۳.

۲. همان.



دوران صفوی رخ داد، بسط و گسترش آن در قالب اعتکاف در مساجد بود.

### کلمات کلیدی:

اعتکاف، ماه رجب، ایام البیض، دهه آخر ماه رمضان، بدعت، صفویه





## ۵. توبه و شب قدر

پرسش:

«حاجی تا صبح قرآن به سر گرفت و گناهانش بخشیده شد؛ اما کارگر خسته بعد از افطار خوابش برد و گناهان امسالش به گناهان سال قبلش افزوده شد. این است اعتقادات مردم سرزمین من...». می‌دانم که نظر اسلام این نیست؛ اما نمی‌توانم اشکالات این متن را به صورت مستدلّ برای دیگران توضیح بدهم. لطفا راهنمایی بفرمایید.

پاسخ:

توبه از گناهان و توسل به قرآن برای قبول توبه، از جمله کارهای پسندیده مومنان در شب های قدر است که متأسفانه در متن حاضر، به شکلی تصویرپردازی شده که ناموجه به نظر آید. در ادامه در قالب نکاتی به بررسی این متن می‌پردازیم.

### نکته اول:

مسئله «توبه» و توسل به اسباب الهی نظیر قرآن و حضرات معصومین علیهم السلام، که در اعمال شب قدر می‌تواند به صورت قرآن به سر گرفتن و خواندن ادعیه جلوه کند، یکی از امیدبخش‌ترین و زیباترین مسائل دین مبین اسلام است که انسان را از بن‌بست افسوس و حسرت گذشته، بیرون کشیده و راه روشن آینده را نوید می‌دهد.

مطابق با عمومات و اطلاعات آیات و روایات باب توبه، هر گناهی و حتی شرک به خدا که بدترین گناهان محسوب می‌شود، قابل جبران و توبه است:



«خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان

است»<sup>۱</sup>.

در حقیقت باب توبه از آن رو بر همه گناهان باز است که انسان، هیچگاه خود را ناامید و «آب از سر گذشته» نپنداشته و همواره پیش روی خود، پلی را برای بازگشت به یک زندگی سالم، مجسم و ممکن ببیند.

بی شک، توبه برای انسان خطا کار (در هر درجه ای که باشد)، مانعی است برای ارتکاب گناهان و جنایات بیشتر و از این رو، خود این آموزه، جز خیر و برکت برای دنیا و آخرت آن شخص نیست.

تصور کنید، اگر کسی به کلی از آموزش خداوند مأیوس گردد و برای همیشه خود را در لعن و عذاب جاویدان خداوند ببیند، هیچ دلیلی ندارد که در باقیمانده عمر، از اعمال خلاف و گناهی مثل قتل، دست بردارد؛ و با خود اینگونه خواهد گفت که «من که رسوای جهانم، غم عالم هیچ است!» در حالی که تعلیمات انبیاء برای تربیت بشر، چیزی جز تعالی انسان در هر مقام و مرتبه ای که در آن حضور دارند، نیست و اگر کاری باشد که ترک گناه یا کمتر شدن آن از سوی یک گناهکار را ممکن سازد، هم از نظر عقلی مطلوب بوده و هم دستورات دین، معطوف به آن خواهد بود.

در نتیجه راه توبه و بازگشت به زندگی انسانی و معنوی، برای «حاجی» همانقدر باز است که برای «کارگر» باز است و اگر هر کدام از آن دو از این نعمت بهره‌مند نشوند، جز خودشان چه کسی را باید سرزنش کنند؟

۱. سوره زمر، آیه ۵۳: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».



البته این توبه و بازگشت، مشروط به گذاشتن قرآن بر سر و آداب خاص نیست (که اگر اینچنین باشد، بهتر است)؛ بلکه دایرمدار اراده ای قوی در ترک گناه و تصمیم جدی در تغییر مسیر زندگی و جبران خسارات ناشی از گناه است. قرآن به سر و خواندن دعا و زیارت رفتن، همگی گونه های مختلف از توسل به اسباب مقدس برای جلب خیرات بیشتر و نشانه جدی بودن در امر توبه است.

### نکته دوم:

آنچه در متن یادشده، به کلی نادیده انگاشته شده است، مسئله «شرایط پذیرش توبه» است که در خصوص هر گناهی متناسب با همان گناه و با کیفیتی که حاصل شده است، تعریف می شود. توبه از گناهانی که جنبه های حق الله و حق الناس دارند، مشروط به بخشش الهی و بخشش صاحبان حق است و توبه در محضر خدا کفایت نمی کند. در نتیجه در خصوص «حاجی» مورد بحث در سؤال، صرف قرآن به سر گرفتن، بیان الفاظ توبه یا حتی بیزاری قلبی از آن گناه، نمی تواند به مثابه فرش قرمز، برای ورود او به ساحت پاداش ابدی الهی در آسمانها باشد!! چرا که در مسئله «حق الناس»، اساساً این مردم ستم دیده هستند که باید رضایت بدهند و خداوند از جانب خود، این حقوق را نمی بخشد؛ چنانکه در برخی از احادیث درباره غیبت آمده که گاهی آدمی به جهت جبران حق الناس های زیادی



که به سبب غیبت بر دوش گرفته، هیچ حسنه ای برایش باقی نمانده و نهایتاً بدون حسنات به جهنم فرستاده می شود.<sup>۱</sup> در نتیجه، آنچه با توبه «حاجی» و قرآن به سر گرفتن، ممکن است بخشیده شود، حق الله است و گناهایی که جنبه حق الناس دارد، راه جبران دیگری دارد.

### نکته سوم:

اساساً هر گونه تضييع در حقوق، چه حق الله و چه حق الناس، در دستگاه عدالت و محاسبه دقيق الهی قرار گرفته و با توجه به موازين عدل و فضل خداوند، تسويه می شود. از این رو ممکن است بخشی از حقوق تضييع شده در دنیا، بخشی در برزخ و بخش دیگری در قیامت استیفاء شود. در واقع، به فرموده قرآن کریم، حتی ذره ای از کار خیر یا کار شر، در دستگاه عدالت الهی نادیده انگاشته نشده و «هرکس هم وزن ذره ای نیکی کند، آن نیکی را ببیند. و هرکس هم وزن ذره ای بدی کند، آن بدی را خواهد دید».<sup>۲</sup> در نتیجه، نه «حاجی» و نه «کارگر» از دایره عدالت خداوند خارج نبوده و نسبت به اعمال خویش، حتی اگر به اندازه ذره ای باشد، مسئولند.

۱. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. سوره زلزال، آیات ۷-۸: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»



## نکته چهارم:

بر خلاف آنچه در متن سوال وجود دارد، نه تنها کار یک کارگر، از منظر باورهای اسلامی، کاری بی ارزش و سبک نیست، بلکه بسیاری از پیشوایان بزرگ اسلام را می توان «کارگر» به معنای واقعی کلمه دانست، آنهم کارهائی که شاید امروز بسیاری از افراد آن را دور از شأن خود می پندارند و حقیر و کوچک می شمارند.<sup>۱</sup>

به عنوان نمونه، یکی از دوستان امام موسی بن جعفر علیه السلام او را مشغول کار در زمین کشاورزی دید، تعجب کرد و پرسید چرا زحمت این کار را به دوش دیگران نمی گذارید؟ امام فرمود:

«پیامبر و امیرالمؤمنین و همه نیاکانم با دست خویش کار می کردند و این برنامه همه پیامبران و رسولان و اوصیای آنها و همه بندگان صالح است.»<sup>۲</sup>

برای پی بردن به اهمیت کار کارگر در این اسلام، توجه به این نکته لازم است که نه تنها کار مثبت و سازنده از مهم ترین عبادات در اسلام محسوب می شود، بلکه عوارض ناشی از آن نیز در حکم عبادت است، چنانکه در حدیثی می خوانیم:

۱. مکارم شیرازی، ناصر، *خطوط اقتصاد اسلامی*، ص ۲۶.

۲. ان رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و آبائی کلهم كانوا قد عملوا بایدهم و هو من عمل النبیین و المرسلین و الاوصیاء و الصالحین؛ کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، ج ۹، ص ۵۳۵.



«کارگر خسته ای که شب با اندام فرسوده می خوابد همانند

کسی است که شب زنده داری و عبادت می کند.»<sup>۱</sup>

تأمل در این روایت نشان می دهد اسلام برای عمل کارگر مسلمانی که با قلبی پر از عشق به خدا و اخلاص، برای رفع نیازهای خانواده و حل مشکلات جامعه اسلامی، کار کرده است، ارزش زیادی نظر گرفته، و کسانی که این گونه اعمال ظاهرا کوچک و واقعا بزرگ را تحقیر می کنند، شدیداً توبیخ و تهدید می کند و می گوید مجازاتی دردناک در انتظار آنهاست.<sup>۲</sup>

در اسلام هر گونه کار ثمربخش، در هر مقیاس، شعبه ای از جهاد محسوب می شود و کارگر به عنوان مجاهد راه خدا و گاهی برتر از آن شناخته شده است.<sup>۳</sup>

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرماید:

«آن کس که برای تأمین زندگی خانواده خویش تلاش می کند

و مواهب الهی را در پرتو کار می طلبد از مجاهدان راه خدا

گرانقدرتر است.»<sup>۴</sup>

۱. مکارم شیرازی، ناصر، *خطوط اقتصاد اسلامی*، ص ۲۵.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۸، ص ۵۸.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، *خطوط اقتصاد اسلامی*، ص ۲۴.

۴. «الذی یطلب من فضل الله ما یکف به عیاله اعظم اجرا من المجاهد فی سبیل الله»؛ حر

عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۷، ص ۶۷.



در احترام و تعظیم مقام کارگر از دیدگاه اسلام همین بس که در حالات سعد انصاری کارگر زحمتکش مسلمان، می خوانیم هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از غزوه تبوک باز می گشت سعد به استقبال او شتافت و با دست خشن و پینه بسته اش با پیامبر مصافحه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود چرا دستت چنین است؟ عرض کرد: با بیل و طناب کار می کنم و هزینه زندگی همسر و فرزندم را فراهم می سازم، در این موقع پیامبر صلی الله علیه و آله دست پینه بسته این کارگر با ایمان را بوسید و گفت «این دستی است که هرگز آتش دوزخ به آن نخواهد رسید.»<sup>۱</sup>

همین مقدار (که البته بخش کوچکی از نگاه اسلام به کار و کارگر است) کافی است تا پرسشگر محترم بداند که نوشته متن سوال تا چه اندازه، بی ارتباط با عقاید اصیل اسلامی بوده و خاستگاهی جز خیالات و اوهام طراح آن نداشته است و اگر مسلمانی به اشتباه چنین عقیده ای را طرح کرده باشد (که بعید است)، قطعاً عقایدش از تعالیم اصیل اسلامی فرسنگ ها فاصله دارد و باید با زبان نرم و نصیحت عقیده او در این زمینه را اصلاح کرد.

### نتیجه:

حال بیایید دوباره به متن یاد شده بازگشته و آن را اینگونه اصلاح نماییم:

۱. «فقیر یده رسول الله و قال هذه ید لاتمسها النار»؛ ابن الاثیر، عزالدین، *أسد الغابه فی معرفه*



حاجی و کارگر، هر دو اراده توبه در شب قدر را داشتند، حاجی در مراسم آن شب شرکت کرد و امیدوار بود که خداوند گناهانش را ببخشد، اما می دانست که حق الناس، جز با رضایت مردم، جبران نمی شود. در سوی دیگر، کارگر، خسته بود، بعد از افطار با اینکه قصد توبه و راز و نیاز داشت، خوابش برد و هنگامی که برای نماز صبح بیدار شد، همچون حاجی، امیدوار بود که خداوند گناهانش را بخشیده است و می دانست کارگری که برای روزی خانواده اش تلاش می کند در نزد خداوند بسیار عزیز است و باز می دانست که خداوند، خواب او را هم به منزله عبادات و شب زنده داری نوشته است.

این است اعتقادات مردم سرزمین من ...

### کلمات کلیدی:

توبه، شرایط توبه، کارگر، ارزش کارگر.





## ۶. اختیار و مقدرات شب قدر

پرسش:

اگر در شب قدر مقدرات یک سال آینده ما تعیین می شود اینجا اختیار و اراده ما چه کاره است و این تعیین سرنوشت در شب قدر به معنای سلب اختیار نیست؟ اگر هم اختیار ما در جای خودش باقی است و چیزی مقدر نمی شود، در این صورت، دعا در شب قدر برای تعیین مقدرات چه فایده ای دارد؟

پاسخ:

شب قدر از شب‌های با عظمتی است که خداوند در قرآن کریم از آن به بزرگی یاد کرده تا جایی که سوره ای به نام «سوره قدر» نازل فرموده است.<sup>۱</sup> از مهم‌ترین خصوصیات این شب، فرود آمدن ملائکه و فرشته روح برای تعیین مقدرات و سرنوشت انسان‌ها می‌باشد.<sup>۲</sup> از این رو، به مومنان سفارش شده که در این شب دعا و نماز بخوانند و از شب‌زنده‌داری غافل نشوند.<sup>۳</sup>

۱. سوره قدر، آیه ۲: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»

۲. سوره دخان، آیه ۴: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛ سوره قدر، آیه ۴: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ

فِيهَا يَأْتِيهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»

۳. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَهِيَ فِي كُلِّ سَنَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ فَلَمْ يَنْزَلِ الْقُرْآنُ إِلَّا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ... يُقَدَّرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ قَابِلٍ خَيْرٍ وَ شَرٍّ

...»؛ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۱۵۷.



دعا در این شب فضیلت فراوان داشته و استجابات می یابد<sup>۱</sup> و مورد توجه اهل بیت علیهم السلام بوده است.<sup>۲</sup>

البته دعا و عبادت خدا، نه فقط در شب قدر بلکه در طول سال، به عنوان یکی از علل معنوی و نامحسوس در جهان، در تعیین مقدرات و تغییر سرنوشت انسان اثرگذار است.<sup>۳</sup>

با عنایت به این مقدمه، در ادامه، در قالب دو نکته، به بررسی سازگاری تعیین مقدرات در شب قدر با اختیار انسان در طول زندگی می پردازیم.

۱. میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب *المراقبات* می نویسد: «بنا بر روایات، دعای کسی در شب قدر رد نمی شود مگر افرادی که عاق والدین باشند یا با نزدیکانشان قطع ارتباط کرده اند یا شراابخوار باشند یا در قلبشان به مومنی دشمنی دارند»؛ ملکی تبریزی، *جواد، المراقبات*، ص ۲۳۷-۲۵۲.

۲. «كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ لَيْلَهُ أَحَدَى وَعِشْرِينَ وَلَيْلَهُ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ أَخَذَ فِي الدُّعَاءِ حَتَّى يَزُولَ اللَّيْلُ فَأَذَا زَالَ اللَّيْلُ صَلَّى»؛ کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۴، ص ۱۵۵.

۳. چنانکه در سوره اعراف آیه ۹۶ آمده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ اگر اهل قریه‌ها ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را برایشان نازل می‌کنیم.» در این راستا، از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که فرمودند: «يَا مُيَسِّرُ ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَلَا تُؤْتَى إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ...؛ ای میسر دعا کن و نگو که امور حتمی شده است و دیگر نمی‌توان کاری کرد زیرا در نزد خداوند منزلی است که به آنها نمی‌رسی مگر با دعا کردن، اگر بنده ای دهان خود را ببندد و درخواست نکند چیزی به او عطا نمی‌شود. پس بخواه تا به تو عطا شود»؛ کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۲، ص ۴۶۷.



## نکته اول:

تعیین مقدرات در شب قدر، وابسته به رفتارهای اختیاری انسان در شب قدر مثل شب‌بیداری و خواندن دعا و قرائت قرآن در آن لحظات است. از این رو، حتی اگر اثر دعای شب قدر، حتمی باشد و کسی توان تغییرش را نداشته باشد، باز هم منافاتی با اختیار انسان ندارد چرا که انسان خودش با کارهای اختیاری در شب قدر، سرنوشت خودش را رقم زده است؛ چنانکه یک ورزشکار با تلاش در رقابت و پیروز شدن در آن و کسب جایزه و پاداش قهرمانی، از زندگی خوب در طول سال برخوردار می‌شود؛ برخوردار می‌شود او از پول و رفاه و زندگی خوب در طول سال، ناشی از ممارست او بر تمرین‌های سخت و تلاش زیاد برای پیروزی بوده است و همه اینها کارهای اختیاری و برآمده از تلاش و کوشش او است. بر همین اساس، تعیین مقدرات در شب قدر، حتی اگر به شکل حتمی باشد و اختیار انسان در طول سال نقشی در آن نداشته باشد، چون برخاسته از کارهای اختیاری انسان در آن شب قدر بوده، به نقض اختیار انسان نمی‌انجامد.

## نکته دوم:

واقعیت این است که تعیین مقدرات در شب قدر، حتمی و گریزناپذیر و بدون در نظر گرفتن اختیار و تلاش انسان در طول سال نیست. آفرینش انسان با اختیار و آزادی در آمیخته و اندازه‌گیری شده است و خدای حکیم آن را نقض نمی‌کند و در تعیین مقدرات نیز اختیار انسان را به عنوان یکی



از علل موثر در جهان در نظر خواهد گرفت.<sup>۱</sup> تلاش و کنش اختیاری انسان در طول زندگی، نقش بسزائی در تحقق مقدرات مثبت یا جلوگیری از تحقق آنها دارد. رفتارهای اختیاری پس از شب قدر می توانند به تغییر برخی از مقدراتی منجر شوند که در شب قدر تعیین شده اند چرا که بسیاری از مقدرات انسان، تغییرپذیرند و رفتارهای نیک یا بد انسان (مانند تقوا یا فساد، عدالت ورزی یا ظلم، دعا، صدقه، احسان، نیکوکاری) سبب تغییرشان می شود. امام باقر علیه السلام در پاسخ سوالی درباره شب قدر فرمود:

«در آن شب فرشتگان و کاتبان الهی به آسمان دنیا فرود آمده و حوادث مربوط به آن سال را می نویسند، ولی امری است موقوف (غیر حتمی) که مشیت الهی بر آن حاکم بوده و خداوند آنچه را بخواهد تغییر می دهد...»<sup>۲</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۴۰۰؛

همچنین، رک: رضایی، محمد، «قضا و قدر الهی و اختیار انسان»، ص ۳۷؛ مطهری، مرتضی،

انسان و سرنوشت، ص ۳۶-۳۷.

۲. «سئل أبو جعفر علیه السلام عن ليلة القدر، فقال: تنزل فيها الملائكة والكتبه إلى سماء الدنيا فيكتبون ما هو كائن في أمر السنة وما يصيب العباد فيها. قال: وأمر موقوف لله تعالى فيه المشيئة يقدم منه ما يشاء ويؤخر ما يشاء، وهو قوله تعالى "يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب"؛

مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۱۰۲.



از این رو، ممکن است برای کسی مقدر شود که امسال بتواند به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود اما او به سبب بی احترامی به والدین یا به سبب کم فروشی در معاملاتش، از این توفیق محروم شود.

### نتیجه:

با عنایت به آنچه گذشت، روشن می شود: دعا و اعمال نیک و بد آدمی در طول سال خصوصا در شب قدر، در تعیین مقدرات انسان بسیار اثرگذارند؛ و این حقیقت کاملا سازگار با اختیار انسان است؛ هم از این جهت که این مقدمات، خودشان اختیاری هستند و هم از این جهت که این مقدرات تغییرپذیرند و رفتار نیک و بد ما پس از شب قدر نیز سبب تغییر آنها می شود. بنابراین، هم دعا اثرگذار است و هم اختیار انسان محفوظ و پابرجاست و منافاتی میان این دو نیست.

### کلمات کلیدی:

شب قدر، مقدرات، جبر و اختیار، قضا و قدر الهی، دعا.



## کتابنامه

### قرآن کریم

۱. ابن الاثیر، عزالدین، *أسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *دعائم الإسلام*، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن برّاج، عبدالعزیز، *المهذب، مقدمه جعفر سبحانی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۴. احسانی، محمد بن علی بن ابراهیم، *عوالی اللئالی*، قم: چاپخانه سید الشهداء، بی تا.
۵. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ق.
۶. جعفریان، رسول، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بی تا.
۷. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
۸. حلّی، جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، تحقیق و تصحیح عبدالحسین محمد علی، بیروت: دارالاضواء، ۱۹۸۳م.



۹. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم: الشريف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق، صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، چ ۱، ۱۴۱۲ق.
۱۱. رضایی، محمد، «*فضا و قدر الهی و اختیار انسان*»، فصلنامه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش، زمستان ۱۳۸۳ش، شماره ۵۵.
۱۲. سعیدی مهر، محمد، *آموزش کلام اسلامی*، قم: موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷ش.
۱۳. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تحقیق احمد الحسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تصحیح سید محمدتقی کشفی، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.
۱۵. عاملی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: آل البیت، ۱۴۱۴ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، بتحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ق.



۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم: دارالحديث، ۱۳۷۵ش.
۲۱. مطهری، مرتضی، *انسان و سرنوشت*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چ ۱، ۱۳۷۴ش.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و جعفر سبحانی، *پاسخ به پرسش های مذهبی*، قم: نسل جوان، ۱۳۸۸ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، *خطوط اقتصاد اسلامی*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۶۰ش.
۲۵. ملکی تبریزی، جواد، *المراقبات*، تحقیق: سید عبدالکریم محمد موسوی، قاهره: دارالاعتصام، بی تا.
۲۶. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.





۲۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت  
لاحیاء التراث، چاپ اول، ۴۰۷ ق.



دفتر تبلیغات اسلامی  
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کننده‌ها جوان‌ها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

